

سُعداء
اندیشکده راهبردی

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست

خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴿٦﴾ ... فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿٩﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾

آیا تو را یتیم نیافت و سپس پناه داد؟(۶) ...
حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن(۹) و
سؤ ال کننده را از خود مران(۱۰)

(سوره ضحی-آیات ۶تا ۱۰)

(فخر رازی در مقام بیان فلسفه یتیمی رسول خدا چند نکته را ذکر کرده است. از جمله اینکه:
خداوند او را یتیم کرد تا قدر یتیمان را بشناسد و ادای حقوق ایشان کند و به اصلاح حال آنان قیام نماید و اوضاعشان را سامان بخشد.)

****

وصیت‌نامه الهی سیاسی حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه
«توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند».

کار و درس و زندگی

پدرش از منبری های معروف خراسان بود. هنوز سید ا براهیم پنج سالش تمام نشده بود که درگذشت، اما پدر، دو پسر و دو دخترش را طوری تربیت کرده بود که با سختی آشنا بودند و نازپرورده نبودند. سید ابراهیم تابستان ها برای خودش کار و کاسبی راه انداخته بود؛ از دستفروشی در خیابان های منتهی به حرم امام رضا علیه السلام تا کار طاقت فرسا در مرغداری. بعدها که طلبگی را انتخاب کرد هم تابستان هایش را به کار می گذراند. خرج و مخارج خانه و پول کتاب های درسی اش را از این راه بدست می آورد. آن روزها زندگی کردن با ۵ تومان شهریه سخت بود. دیر به دیر می توانست برای مادر و خواهرش گوشت و برنج بخرد. هر از چند گاهی که حق الزحمه خوبی به دستش می رسید کمی گوشت می خرید و به خانه می برد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«من ولّی علی عَشرةِ کان له عقلُ أربعین، و من ولّی أربعینَ کان له عقلُ أربعمائة»؛

کسی که برای ده نفر مسئول می شود باید عقل چهل نفر را داشته باشد و هر کس برای چهل نفر ولی می شود باشد عقل چهارصد نفر را داشته باشد.

(نهج الفصاحه، ص ۷۲۷)

****

مقام معظم رهبری(مد ظله العالی):

«هر کسی می‌آید، پایبند به انقلاب، پایبند به ارزش‌ها، پایبند به منافع ملی، پایبند به نظام اسلامی، پایبند به عقل جمعی، پایبند به تدبیر باشد.»

(بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۲/۱/۱)

دادستان جوان انقلاب

وقتی مسئولیت دادستانی کرج را به عهده گرفت فقط ۲۰ سال داشت. جوان‌ترین دادستان انقلاب بود آن هم در شهری مثل کرج. بسیاری از طاغوتی ها در کرج ملک و املاک داشتند. پاتوق بسیاری از ساواکی‌ها و ضد انقلاب هم کرج بود. با این حال سید ابراهیم جوان از پس مدیریت دادستانی به خوبی برآمد. آیت ا... قدوسی که آن روزها دادستانی کل انقلاب را به عهده داشت از عملکردش راضی بود، برای همین دادستانی استان همدان را همزمان به عهده‌اش گذاشت. سید ابراهیم با اینکه به ظاهر جوان بود اما عاقلانه تصمیم می گرفت و دچار احساسات نمی شد. همین ویژگی بود که نظر آقای قدوسی را جلب کرده بود.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«لا عَقلَ کالتّدبیر» ؛

هیچ عقلی مانند تدبیر نیست.

(نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

رئیس جمهور، هم باید کاری باشد، هم باید مردمی باشد، هم باید مقاوم باشد، هم باید ارزشی باشد، هم باید باتدبیر باشد، هم باید پابند به قوانین و مقررات باشد - مجری قانون است - هم باید درد مردم را احساس کند، هم باید طبقات مختلف مردم را ببیند؛ اینها خصوصیاتی است که در انتخاب آن کسی که ما میخواهیم کلید اجرائی کشور را به او بسپریم، نقش دارد.

(بیانات در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۳۹۲/۰۲/۱۶)

گـــره گشـــایی از کار ولـــی نعمتـــان انقـــلاب

تـازه انقـلاب شــده بـود و اقتصـاد کشـور رونق لازم را نداشــت. عـده ای هم از روســتاها بـــه شـــهرها آمـــده بودنـــد و بـــه دنبـــال کار بودنـد. پیاده روهـــای اصلـــی کـــرج پـــر شـــده بـــود از دســت فروش‌هایی کـــه عبـــور و مـــرور مـــردم را بـــا مشـــکل رو بـه رو کـــرده بودنـــد. سید ابراهیم ایـــن گـــره را بـــاز کـــرد، امـــا نـــه بـــا دنـــدان، بلکـه بـا دست! دســتور داد، جایی را بـــرای دســت فروشـــها پیـــدا کننـــد تـــا بـــه آنجـــا منتقـــل شـــوند. بـــا ایـــن کار هـــم زندگـــی و رفـــت و آمـــد مـــردم راحـــت شـــد، هـــم دست فروشهای مســـتضعف از کار بیـــکار نشـــدند. آن روزهـــا امام به مسـئولین ســـفارش کـــرده بـــود کـــه اینهـــا ولـــی نعمتـــان انقـــلاب هســـتند.

حضرت علی علیه السلام:
«لَـوْ تَمَیَّـزَتِ الاَشْـیَاءُ لَـکَانَ الصِّـدْقُ مَـعَ الشَّـجَاعَةِ وَ کَانَ الْجُـبْنُ مَـعَ الْکِـذْبِ»؛

هرگاه اشیاء از هم جدا شوند، صدق و راستی در کنار شجاعت و ترس در کنار دروغگویی قرار خواهد گرفت».

(شـرح فارسـی غررالحکـم، جلـد ۵، صفحـه ۱۱۸، حدیـث ۷۵۹۷)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«یـک عـده‌ای در اوائـل حکومـت امیرالمؤمنیـن آمدنـد کـه آقـا شـما ایـن افـرادی کـه تـو جامعـه هسـتند – ایـن متنفذیـن – یـک مقـداری ملاحظـه‌ی اینهـا را بکـن و سـهم بیشـتری از بیت‌المـال بـه اینهـا بـده، مخالفـت اینهـا را موجـب نشـو و دلهایشـان را جلـب کـن! فرمـود: « أتأمرونّـی ان أطلـب النّـصر بالجـور»؛ **شـما میخواهیـد مـن پیـروزی را بـه وسـیله‌ی ظلـم بـرای خـودم دسـت و پـا کنـم؟** «واللّـه لا اطـور بـه مـا سـمر سـمیر و مـا أمّ نجـم فـی السّـماء نجـما» ؛ **امـکان نـدارد امیرالمؤمنیـن بـا ظلـم، بـا راه غلـط و خطـا، بـا شـیوه‌های غیـر اسـلامی دوسـت بـرای خـودش درسـت کنـد».**

(خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰)

بی تعارف، حتی با رئیس جمهور

مسئول دفتر رئیس جمهور پشت خط بود. سید ابراهیم بیست ساله، دادستان کرج، تلفن را برداشت. «شما فلانی را بازداشت کردید؟ رئیس جمهور دستور می دهد هر چه زودتر آزادش کنید». در ذهنش مرور کرد و یادش آمد این آقا تخلف سنگینی داشته و از نزدیکان رئیس جمهور است. بعد گفت: «به آقای بنی صدر سلام بنده را برسانید و بگویید این تصمیم دادستان و قاضی است و هیچ کس حق لغو حکم قاضی را ندارد». مسئول دفتر رئیس جمهور که عصبانی شده بود، با لحن تندی خطاب به او گفت: «شما می فهمید چه می گویید؟! این دستور رئیس جمهور است». او هم با آرامش همیشگی جواب داد: «این خواسته رئیس جمهور، دخالت در کار دادستانی است و قانون به ایشان چنین حقی نمی دهد». مسئول دفتر که از قاطعیت او عصبانی شده بود، بدون خداحافظی ارتباط را قطع کرد و بنی صدر هم دیگر پیگیر آزادی آن فرد نشد.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:
«لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»؛

افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد باز نشستند یا مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند یکسان نیستند، خداوند مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند بر قاعدان برتری بخشیده و به هر یک از این دو دسته (به نسبت اعمال نیکشان) خداوند وعده پاداش نیک داده و مجاهدان را بر قاعدان برتری و پاداش عظیمی بخشیده است.
(سوره نساء، آیه ۹۵)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
«هر دوره خصوصیتی دارد و هر کدام از مسؤولان در دوره‌های گذشته کارهایی انجام دادند. امروز ما احتیاج داریم که در کشورمان تلاش و پیشرفت و رشد علمی و فناوری، همراه با عدالت اجتماعی و مبارزه‌ی با فساد باشد. آنچه برای رئیس‌جمهور آینده بسیار مهم است، این است که با همه‌ی وجود در پی کار و تلاش برای مردم باشد».
(دیدار مردم کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۱)

کار بدون توقع

بـــا وجـــود فضـــای رســـمی دادســـتانی، فضایـــی صمیمـــی را بـــه وجـــود آورده بـــود. بـــه خاطـــر ویژگـــی هـــای اخلاقی اش، دیگـــران بـــه راحتـــی می توانســـتند رابطـــه برقـــرار کننـــد. هیـــچ کســـی در ســـخت کوشـــی و دقـــت در کار قضایـــی بـــه پـــای او نمی رســـید. هـــر روز از صبـــح علـــی الطلـــوع ســـر کار حاضـــر می شـــد. ۱۸ســاعت کار کـــردن (آن هـــم کار پرمشـــغله ایشـــان) واقعاً دشـــوار بـــود. قلبـــا عقیـــده داشـت کـه بایـــد خودش را بـــه ســـختی بیاندازد، تـا یـــک گوشـه از مملکـــت پا بگیـــرد. با اینکـه دائمـــا سر و کارش بـا مجـرم و متهـم بـود، در نهایـــت احتـرام و در عیـن حـــال با قاطعیت و قانونمـــداری، بـــا آنهـا رفتـــار میکرد.

امام حسین علیه السلام در نامه خود به کوفیان میفرمایند:

« فَلَعَمْري ، ما الإمامُ إلّا الحاكمُ بالكِتابِ ، القائمُ بالقِسْطِ، الدّائنُ بِدِينِ الحَقِّ ، الحابِسُ نَفْسَهُ على ذاتِ اللّه»؛

به جان خودم سوگند، امام و پیشوا کسی نیست مگر آن که بر اساس کتاب خدا حکومت کند، عدل و داد را بر پا دارد، پایبند دین حق باشد و خود را وقف در راه خدا کند».

(منتخب میزان الحکمه، ح ۱۲۰۰۳۱۱)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«دولت به قانون اهمیت بدهد.. . مجلس، قوه‌ی قضائیه، دستگاه‌های گوناگون، باید قانون را رعایت کنند؛ به آنها هم ما توصیه‌ی این را میکنیم، به شما هم توصیه میکنیم. قانون را دقیق رعایت کنید... . اگر چنانچه ما اینجا قانون را در مسئله‌ای خاص شکستیم و عمل نکردیم، صرفا این نیست که یک قانون نقض شده باشد؛ بلکه معنایش این است که یک راهی، یک خطی باز شد که این خط، دنباله خواهد داشت. کار قانون‌شکنی اینجوری است. اینجا که قانون نقض شد، نقض قانون یک فرصت تازه‌ای پیدا کرد که به وسیله‌ی دیگران انجام بگیرد. لذاست که به مسئله‌ی قانون، خیلی اهمیت بدهید».

(دیدار با اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۰۶/۱۶)

بالاتر از قانون!

از طـرف آقای خلخالـی حکـم داشـتند تـا بـا قاچاق مــواد مخــدر مبــارزه کننـد. سـلاح داشــتند و بـه هیچ قانــون و رویــه ای اهمیت نمی دادنــد. تحــت عنــوان دادگاه ویــژه مبــارزه بــا مــواد مخــدر جــاده را مــی بســتند، خودروهــا را می گشــتند و هـر کــس را کـه می خواســتند دســتگیر و گاهــی اوقــات اجــرای حکـــم می کردنـــد. تعــدادی از مســئولین نیــز از آنها حمایــت می کردنــد. امــا ســید ابراهیــم جــوان بـر سر قانــون بـا کسـی تعـارف نداشـت. رفـت خدمـت آیت الله قدوســی بــرای شـکایت. ایشـان گفت کــه ایـن مسـئله در جاهــای دیگــر کشــور هـم بــه وجود آمــده و قـرار اســت بـا امـام مطـرح کند. سـید ابراهیـم امـا گفـت کـه قضیــه کــرج را شــخصاً حـل خواهـد کـرد. بـه محـل تجمــع آنهــا رفــت و اسلحه‌شان را ضبط کرد و افــراد متخلــف را تحویــل دادگاه انقـلاب داد. آقــای خلخالـی زنـگ زد بــرای بازخواسـت.

پرسـید: «شــما اقــدام کردیـد بــه گرفتـن اعضـای این دفتـر؟»

سید ابراهیم گفـت: «بلـه!»

خلخالــی بــا عصبانیـت جــواب داد: «بالاتــر از تـو هـم نمـی توانـد ایـن کار را انجــام بدهــد».

ســید ابراهیـم بــا صدایـی مطمئــن و آرام گفـت: «مـن ایــن کار را کــردم و شــد و بــه بالاتــر از مــا هــم ســلام برســانید، اگر در کــرج مــن مسئول هستم و نمی گــذارم کار غیرقانونــی انجـام بشـود.» این حرکت، شــاید اولیـن مقابلـه جـدی بــا اقدامــات خودسـرانه در کشــور بــود.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«المُؤمنُ اَخُوا الْمُؤْمِن کَالْجَسَدِ الْواحِدِ إذا اشْتَکی شَیْئا مِنْهُ وَجَدَ اَلَمُ ذلِکَ فی سائر جَسَدِه...»؛

مؤمن برادر مؤمن است؛ مانند یک پیکر که هر گاه عضوی از آن دردمند شود، اعضای دیگر هم احساس درد کنند.

(سفینهٔ البحار، ج ۳ ، ص ۲۴۲-۲۴۳)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«خدمت به مردم، کار کردن برای مردم، زحمت کشیدن برای مردم، امانت و پارسایی را حفظ کردن و سخن حق را گفتن، همه‌ی اینها در راه علی علیه‌الصّلاهٔوالسّلام بودن است».

(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۲/۱۰/۰۶)

رفع درد غربت

کرج آن روزها شهری بود کوچک، در حاشیه تهران که جنگ زده های از خانه رانده و از تهران مانده، به آن پناه می آوردند. وضعیت نامناسب اسکان جنگ زده ها را که دید، با اینکه در حیطه وظایفش نبود و کسی از دادستان جوان شهر انتظاری نداشت، تصمیم گرفت برایشان کاری کند. آنقدر رفت و آمد و پیگیری کرد تا برای بسیاری از جنگ زده های آواره در کرج، خانه فراهم شد. احتمالا جنگ زده های آن روز، هنوز از طلبه جوانی که پیگیر کارهای اسکان شان در شهر غریب بود، خاطرات خوشی دارند.

خداوند متعال دز قرآن کریم می فرماید:

«يَـا أَيُّهَـا الَّذِيــنَ آمَنُــوا كُونُــوا قَوَّامِــينَ لِلَّــهِ شُــهَدَاءَ بِالْقِسْــطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُــمْ شَــنَآنُ قَــوْمٍ عَــلَى أَلَّا تَعْدِلُــوا اعْدِلُــوا هُــوَ أَقْــرَبُ لِلتَّقْــوَى وَاتَّقُــوا اللَّــهَ إِنَّ اللَّــهَ خَبِــيرٌ بِمَــا تَعْمَلُــونَ »؛

دشمنی با جمعیتی شما را به گناه ترک عدالت نکشاند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیکتر است و از خدا بپرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

(سوره مائده، آیه ۸)

******

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«شـاخص دوم [نظـام نبـوی و حاکمیـت اسـلام]، قسـط و عـدل اسـت. اسـاس کار بـر عدالـت و قسـط و رسـاندن هـر حقّـی بـه حقـدار بـدون هیـچ ملاحظـه اسـت».

(بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

حق سِتان

شایعه کرده بودند «وابسته رژیم شاه» است و باید اموالش مصادره شود. چندین خانه و ویلا در کرج داشت. یک کارخانه بزرگ هم داشت. عده ای از کارگرانش راه افتاده بودند و به بهانه طاغوتی بودن می خواستند کارخانه را از چنگش بیرون بیاورند؛ کاری که در جاهای دیگر کشور هم انجام و باعث نابودی کارخانه ها شده بود. دلایلش را که برای دادگاه اقامه کرد، سیدابراهیم حکم را برگرداند. اموال مصادره ای را پس دادند، بدون تعارف. چون پای «حق» در میان بود و دادستان جوان روی حق مردم، خیلی حساس بود.

حضرت علی علیه السلام میفرمایند:

«يَـا دُنْيَـا يَـا دُنْيَـا إِلَيْـكِ عَنِّـي أَ بِي تَعَرَّضْـتِ أَمْ إِلَيَّ تَشَـوَّقْتِ؛ لَا حَـانَ حِينُـكِ هَيْهَـاتَ غُـرِّي غَـيْرِي لَا حَاجَـةَ لِي فِيـكِ قَـدْ طَلَّقْتُـكِ ثَلَاثـاً لَا رَجْعَـةَ فِيهَـا فَعَيْشُـكِ قَصِـيرٌ وَ خَطَـرُكِ يَسِـيرٌ وَ أَمَلُـكِ حَقِـيرٌ آهِ مِـنْ قِلَّـةِ الـزَّادِ وَ طُـولِ الطَّرِيـقِ وَ بُعْـدِ السَّـفَرِ وَ عَظِيـمِ الْمَـوْرِدِ»؛

«ای دنیا، ای دنیا! از من دور شو. آیا برای فریفتن، خود را به من می‌نمایی! یا اینکه به من مشتاق و شیفته شده‌ای؟ هرگز محبت تو در دل من جای نمی‌گیرد، دیگری را بفریب، زیرا مرا به تو نیازی نیست. ای دنیا من تو را سه طلاقه کرده‌ام و امکان بازگشت به سوی تو نیست. چرا که دوره‌ی زندگانی تو کوتاه، ارزش و منزلت تو اندک و آرزوی بهره‌مندی از تو پست و حقیر است. افسوس از کمی زاد و توشه، درازی راه، دوری سفر و عظمت رستاخیز».

(نهج البلاغه صبحی صالح، کلمات قصار، ش ۷۷)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«افـراد مسـؤول در ایـن نظـام، بایـد دنـدان لذایـذ بی‌شـماری را بکَننـد. از خیلـی لذّتهـا بایـد بگذرنـد. کمـا اینکـه مـی بینیـم بحمـدالله مـی گذرنـد».

(دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۲/۰۳/۲۶)

هدیه ویژه دادستان!

آمده بود دادستانی و می گفت در جوانشهر کرج، چندین قطعه زمین ۴۰۰ متری دارد و می خواهد یکی از آنها را به دادستان بدهد تا با صلاحدید خودش، مبلغش را بین افراد نیازمند شهر، تقسیم کند. هرچه اصرار کرد سید ابراهیم قبول نکرد. یکی از معتمدین شهر را واسطه کرد تا سید ابراهیم را راضی کند، اما فایده نداشت. حتی گفت زمین را به دادستان می بخشم اما باز هم قبول نکرد. سید ابراهیم آب پاکی را روی دستش ریخت: «نه برادر! بهتر است بروید با کمیته امداد صحبت کنید. اگر من که در این شهر هیچ چیز ندارم و حتی شبها هم در دادسرا می خوابم این زمین را قبول کنم، هزار فکر نابجا در ذهن مردم می آید و دیگر نمی توانند به من اعتماد کنند.»

امام باقر علیه السلام درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند:

« وَ لَقَدْ وَلِیَ خَمْسَ سِنِینَ مَا وَضَعَ آجُرَّةً عَلَی آجُرَّةٍ وَ لَا لَبِنَةً عَلَی لَبِنَةٍ وَ لَا أَقْطَعَ قَطِیعاً وَ لَا أَوْرَثَ بَیْضَاءَ وَ لَا حَمْرَاءَ»؛

(حضرت علی علیه السلام) پنج سال ولایت داشت.
نه آجری بر آجری گذاشت و نه خشتی بر خشتی و نه دهی مالک شد و نه پول نقره یا طلا بجای خود گذاشت.

(امالی الصدوق، ص ۲۸۱)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

شما اگر سرتاپای نهج‌البلاغه را نگاه کنید، میبینید آنچه که امیرالمؤمنین درباره‌ی بیرغبتی به دنیا، دل نبستن به دنیا، زهد در دنیا بیان فرموده است، از همه‌ی آنچه که در نهج‌البلاغه بیان کرده است، بیشتر است؛ این به خاطر همین است. والّا امیرالمؤمنین کسی نبود که از دنیا گوشه‌گیری کند، انعزال از دنیا داشته باشد؛ نه، برای آبادی دنیا یکی از فعالترین آدمها بود؛ چه در زمان خلافت، چه بعد از خلافت، امیرالمؤمنین جزو کسانی نبود که کار نکنند، دنبال تلاش نروند... . پرداختن به دنیا و به طبیعتی که خدای متعال در اختیار انسان گذاشته است، و اداره‌ی معیشت مردم، اداره‌ی امور اقتصادی مردم، فراهم کردن وسائل رونق اقتصادی، اینها همه کارهای مثبت و لازم و جزو وظائف فرد مسلمان و مدیران اسلامی است. امیرالمؤمنین یک چنین آدمی بود؛ اما خود او هیچ دلبستگی نداشت. این وضع امیرالمؤمنین و برنامه‌ی تربیت اخلاقی امیرالمؤمنین است.

(خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۷/۰۶/۲۹)

اتاق خدمت

داشـــت در اتــاق ریاسـت سـازمان بازرســی کـه تـازه تحویـل گرفتـه بـود راه میرفـت کــه پایش به پارگی موکت کف اتـــاق گیـــر کـــرد. ســـریع بلنـــد شـــد و خـــودش را جمـع و جـور کـــرد و گفـــت: «ایـن اتـاق محـل رفـت و آمـد مـردم اســـت. بگـو بیاینـد موکـت را بکننـد و بردارند».

یکــی از همــکاران پیشــنهاد داد: بهتـــر اســـت بگوییـــم بیاینـــد اتــــاق را بازســـازی کننـــد و موکـت جدیـد هـم بزننـد».

سید ابراهیم بـــه چشـــمانش خیـــره شـــد و بـــا لحـــنی جـدی گفـــت: «بچه های ســـازمان بـــه نـان شبشـــان محتـاج هسـتند. آن وقـــت مـــن بیایـــم ایـن اتـــاق را بازسـازی کنـم؟!»

ده ســـال بعـــد کـــه ســـازمان را تحویـــل داد، کل ســـاختمان نـــو نـــوار شـده بـــود مگر اتـاق خـــودش؛ بـــدون موکـــت و کامـــلا ســـاده.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه به مالک اشتر می فرمایند:

«فَلاَ تُطَوِّلَنَّ اِحْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّ اِحْتِجَابَ اَلْوُلاَةِ عَنِ اَلرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ اَلضِّيقِ وَ قِلَّةُ عِلْمٍ بِالْأُمُورِ وَ اَلاِحْتِجَابُ مِنْهُمْ يَقْطَعُ عَنْهُمْ عِلْمَ مَا اِحْتَجَبُوا دُونَهُ»؛

هیچ گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه ای از تنگ خویی و کم اطلاعی در امور جامعه می باشد. نهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می دارد.

(نهج البلاغه، نامه ۵۳)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«خط اصلی دوم، مردمی بودن است. مردمی بودن در نظام جمهوری اسلامی، یک شاخه‌ی اصلی است؛ یعنی رأی مردم، هویت مردم، کرامت مردم، خواست مردم، از جمله‌ی عناصر اصلی در نظام جمهوری اسلامی و این بنای مستحکم است. رأی مردم تعیین‌کننده است. نیازهای مردم، هدف اساسی دولتمردان و نظام جمهوری اسلامی است. این نیازها، هم نیازهای مادی است و هم نیازهای معنوی و اخلاقی و روحی».

(بیانات در مراسم هیجدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶/۰۳/۱۴)

یادش بخیر وقتی شما رئیس بودید

تازه ریاست سازمان بازرسی کل کشور را به عهده گرفته بود و دادستانی را تحویل داده بود که خبر دادند در دادگاه انقلاب حادثه‌ای رخ داده و چند نفر شهید و زخمی شده اند. یکی از زخمی‌ها، حاج عباس شیرازی (مدیر انتظامات دادگاه انقلاب) در بیمارستان بستری بود. به ملاقاتش رفت. حاج عباس با دیدن او، سر حرف و گلایه‌اش باز شد: «شما در آن دوران هفته‌ای سه روز می آمدی صبحانه را با ما در انتظامات می خوردی و بعد به اتاقت می رفتی. اما از روزی که شما رفتی دیگر ما حتی معاون را هم نمی بینیم!»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
«مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالَةٍ إِلَی هُدًی فَقَدْ أَحْیَاهَا»؛
اگر فردی بتواند یک فرد را از راه گمراهی به راه هدایت بکشاند، او را زنده کرده است.
(المحاسن، برقی، احمد بن محمد بن خالد ج ۱، ص ۲۳۲)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
ما بحمدالله در این زمینه هم مشکلی نداریم. مسئولین کشور دلسوزند. ما همه‌مان بشریم، همه‌مان انسانیم، خطاهائی میکنیم، اشتباهاتی از ما سر میزند؛ لیکن اشتباهات همه‌اش قابل جبران است. خوشبختانه مسئولین، مسئولین دلسوزی هستند.
(بیانات در اجتماع مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۰۷/۱۹)

دستگیری به جای مچ گیری

سید ابراهیم در دوره طلایی سازمان بازرسی، رویکرد سازمان را از مچ گیری به هدایت و دستگیری تغییر داد. این تغییر رویکرد در همه ارکان سازمان جاری شده بود. یک نمونه بارزش، این بود که قبل از ارسال هر گزارش به نهادهای قضایی، مدیر مربوطه به سازمان دعوت می‌شد، در جریان جزئیات پرونده‌اش قرار می‌گرفت و اجازه داشت از خودش دفاع کند. اگر می‌توانست سازمان را قانع کند پرونده بایگانی می‌شد و به نهاد قضایی فرستاده نمی‌شد. همین عملکرد، نگاه نهادهای دولتی به سازمان را از عنصری خبرچین به دوستی خیرخواه و مصلح، تغییر داده بود.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«یحتاجُ الاِمامُ اَلي قَلبٍ عَقولٍ وَ لِسانٍ قَئُولٍ وَ جَنانٍ عَلي اِقامَةِ الحَقِّ صَئُولٍ»؛

رهبر نیازمند سه چیز است: قلب اندیشمند و متفکر، زبان گویا و دل پر جرأت و قاطع در برابر اجرای حق.

(غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۶۱)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«این حرکت پرتلاشی که همه ی دولت بخصوص شخص آقای رئیس جمهور- نشان می دهند، خیلی با ارزش است. «قانون گرایی»، «شجاعت و قاطعیت در بیان و اعمال آنچه که حق است».

(دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۵/۰۶/۰۶)

توبیخ وزیر!

مدت کوتاهی از آغاز به کارش در سازمان بازرسی نگذشته بود که با خبر شد یکی از بازرسان سازمان را در حال تهیه گزارش از وزارت بهداشت کتک زده اند. پانچ را به سینه بازرس کوبیده و زخمی‌اش کرده بودند. سید ابراهیم فورا با وزیر بهداشت وقت تماس گرفت و او را احضار کرد. توضیح خواست و جایگاه سازمان را به او یادآوری کرد. وزیر قول داد که دیگر چنین اتفاقی تکرار نشود و تکرار هم نشد.

«فِي وِلَايَـةِ وَالِي الْعَـدْلِ وَ وُلَاتِـهِ إِحْيَـاءَ كُلِّ حَـقٍّ وَ كُلِّ عَـدْلٍ وَ إِمَاتَـةَ كُلِّ ظُلْـمٍ وَ جَـوْرٍ وَ فَسَـادٍ»؛

در ولایت والی عادل و فرمانداران او، هر عدل و هر حقی زنده می شود.

(تحف العقول، ص ۳۳۲)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«از جملـه‌ی شـاخصها، مسـئله‌ی «مبـارزه‌ی بـا فسـاد» اسـت؛ فسـاد اداری و مالـی، جـزو بدتریـن عـوارض اسـت. ایـن، از همـان مـواردی اسـت کـه مراکـز بین‌المللـی تأییـد کرده‌انـد کـه در ایـن یـک سـال و نیـم اخیـر، رتبـه‌ی کشـور در مبـارزه‌ی بـا فسـاد بـالا آمـده اسـت و در ایـن زمینـه پیشـرفتهایی وجـود داشـته اسـت. البتـه مـا بـه ایـن قانـع نیسـتیم. بایسـتی فسـاد اداری و مالـی و خیانـت در امانتهـای ملـی در کشـور ریشـه‌کن شـود. ایـن بـه سـرمایه‌گذاریهای سـالم ربطـی نـدارد؛ مـا بـه سـرمایه‌داران کشـور - کسـانی کـه میتواننـد سـرمایه‌گذاری کننـد - توصیـه میکنیـم کـه وارد میـدان سـرمایه‌گذاری بشـوند و طبـق قانـون کار کننـد. بعضـی ایـن دو تـا را بـا هـم اشـتباه میکننـد. مـا بـا فسـاد مخالفیـم، بـا سوءاسـتفاده مخالفیـم، بـا خیانـت در امانـت - کـه عمـده هـم از مسـئولان و مأمـوران بخشـهای گوناگـون دولتـی سـر میزنـد - مخالفیـم و معتقدیـم بایـد مبـارزه بشـود. ایـن مبـارزه بحمـدالله جـدّی اسـت و شـروع شـده اسـت، و بایـد توسـعه پیـدا کنـد و همه‌گیـر شـود».

(دیدار مردم گرمسار، ۱۳۸۵/۰۸/۲۱)

اشــراف ســازمان بازرســی بــر عملکــرد وزارت خانـــه ها

بعــد از اینکــه مقـام معظم رهبـری دسـتور داد با فســاد اقتصادی مبارزه شـود، ســه ســال متوالی، نمایشــگاهی تشــکیل داد و همــه ســازوکارهای اداری دســتگاه‌های کشـــور را بـــه نمایـــش گذاشـــت. اســمش را هــم گذاشــت نمایشـــگاه آســیب شناســی دســتگاه‌های اداری کشــور.

هــر وزارت خانــه را در یــک غرفــه بــزرگ بــه نمایـش گذاشـته بودنـد و اول هـم خـود وزیـر را دعـوت مـی کردنـد تـا از نـگاه سـازمان بازرسـی، وزارت خانـه‌اش را ببینـد. تمـام مدیـران عالـی و میانــی و کارشناســان ارشــد آمدنــد از نمایشــگاه دیـدن کردنـد. همـه می‌گفتنـد مـا نمی‌دانسـتیم سـازمان بازرسـی اینقـدر دقیـق بـه دسـتگاه‌ها و وزارت خانه‌هـا نـگاه می‌کنـد. بـا ایـن کار نـگاه خیلی‌هــا نســبت بــه ســازمان بازرســی تغییــر کرد. فهمیدنــد کــه ســازمان بازرســی دنبـال مچ گیـری نیســت، بلکـه عیـب شناسـی می‌کنـد تـا بـرای رفعـش تـلاش کننـد.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:
«ثُـمَّ تَفَقَّـدْ أَعْمَالَهُـمْ وَ ابْعَـثِ الْعُيُـونَ مِـنْ أَهْـلِ الصِّـدْقِ وَ الْوَفَـاءِ عَلَيْهِـمْ»؛
ای مالک، در کارهای کارمندان کاوش کن و چشم هایی را به عنوان بازرس که دارای خصوصیات صداقت و وفاداری هستند برآنان بگمار.

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
«بازرسی مسئله مهمی است. باید دائم مشغول نگرش باشید و چشم شما داخل دستگاه را ببینند؛ یک مدیر خوب این است».
(دیدار مدیران و مسئولان استان بوشهر؛ ۱۳۷۰/۱۰/۱۲)

مبارزه با فساد سازمانی

سید ابراهیم رئیسی به فساد موجود در سازمان تحت مدیریتش به شدت حساس بود. شیوه مدیریتی‌اش طوری بود که بخشی را برای نظارت درون سازمانی فعال می‌کرد. ابتدای انقلاب هم سازوکار ویژه ای را برای نظارت محسوس و غیرمحسوس بر قضات و کارمندان دادستانی انقلاب تدارک دیده بود. به محض ورود به سازمان بازرسی، مجموعه ای تحت عنوان نظارت داخلی ایجاد کرد. این حرکت ابتکاری، بعدها توسط رهبر معظم انقلاب تجلیل شد. در سمت معاون اولی قوه قضاییه هم اداره کلی برای نظارت بر طرح ها و دستورالعمل های قوه تاسیس کرد.

حضـرت علـی علیـه السـلام ایـن گونـه بـه مالـک فرمـــان می‌دهـــد کـــه:

«وَ اِنّی اُقْسِمُ بِاللّهِ قَسَماً صادِقاً، لَئِنْ بَلَغَنی اَنَّك خُنْتَ مِنْ فَیْءِ الْمُسْلِمینَ شَیْئاً صَغیراً اَوْ كَبیراً، لَاَشُدَّنَّ عَلَیْكَ شَدَّةً تَدَعُكَ قَلیلَ الْوَفْرِ، ثَقیلَ الظَّهْرِ، ضَئیلَ الْاَمْرِ»

«با قاطعیت تمام بر رفتار زیر دستان خود مراقبت کن، مبادا آنان با سوء استفاده از نزدیک بودن به تو بر مردم و رعیت ظلم نمایند و مرتکب خیانت گردند»

(نهج البلاغه، نامه ۵۳)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«مـن همیشـه بـه مدیـران میگویـم، در گذشـته هـم گفتـه‌ام ... دائـم مأمـوران و منتخبـان خودتـان را زیـر نظـر داشـته باشـید؛ دائـم نـگاه کنیـد و از اینهـا غافـل نشـوید. دیده‌ایـد کـه نگهبان‌هـا در شـب نورافکن‌هایـی را دائـم میچرخاننـد و گوشـه‌ها را نـگاه میکننـد؛ شـما هـم همین‌طـور بایـد به‌طـور دائـم امـور را زیـر نظـر داشـته باشـید و نـگاه کنیـد؛ بنابرایـن از کار کارگزارانتـان غفلـت نکنیـد. «ثـم تفقـد اعمالهـم»؛ یعنـی از کارهـای اینهـا جسـتجو کـن، ببیـن کار انجـام میدهنـد یـا نـه؛ درسـت انجـام میدهنـد یـا نـه؛ آیـا تخلفـی در کارهایشـان وجـود دارد یـا خیـر. «و ابعـث العیـون مـن اهـل الصـدق و الوفـاء علیهـم»؛ کسـانی را کـه چشـم و گـوش تـو هسـتند، بگمـار تـا کارهـای اینهـا را نـگاه کننـد. «فـأن تعاهـدک فیالسّـر لامورهـم حـدوة لهـم علـی اسـتعمال الامانـة و الرفـق بالرعیـة»؛ ایـن موجـب میشـود کـه اینهـا بتواننـد امانـت را بیشـتر حفـظ کننـد».

(بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷)

اصلاح از مجری

سازمان بازرسی در زمان مدیریت سید ابراهیم، نمایشگاهی برپا کرد با محوریت بررسی و آسیب شناسی فساد در سیستم اداری کشور. نمایشگاه، محرمانه بود و فقط مسئولین از آن بازدید می کردند. آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت، روز آخر که برای بازدید به نمایشگاه آمد، گفت «مغبون» شدم که امروز آمدم. می گفت کاش زودتر می آمدم و می دیدم. سید ابراهیم دنبال اصلاح ساختارهای فساد خیز کشور بود، اما انگار این اصلاح، باید از قوه مجریه شروع شود.

امـام علـی علیـه السـلام در نامـه ای بـه فرمانـدار مکـه چنیـن می نویسـد:

«وَ لاَ یَکُنْ لَکَ إِلَی اَلنّاسِ سَفِیرٌ إِلاّ لِسَانُکَ وَ لاَ حَاجِبٌ إِلاّ وَجْهُکَ»؛

نباید میان تو و مردم، واسطه و سفیری جز زبانت و حاجب و پرده داری جز چهره ات باشد.

(نهج البلاغه، نامه ۶۷)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«مردمـی بـودن حکومـت هـم یکـی دیگـر از ارزشـهایی اسـت کـه حاکمیـت اسـلام و معـارف اسـلامی بـه ایـن مملکـت هدیـه کـرده اسـت. مردمـی بـودن، ارزشـی بالاتـر از انتخـاب شـدن بـه وسـیله مـردم اسـت. بعضـی افـراد ممکـن اسـت در یـک نظـام دمکراتیـک، بـه شـکل دمکراتیـک هـم انتخـاب شـوند، امـا بـا مـردم رابطـه‌ای نداشـته باشـند. اینهـا مردمـی نیسـتند. در کشـور اسـلامی مـا، مردمـی بـودن یـک ارزش اسـت».

(دیدار با جوانان در مصلای بزرگ تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۰۱)

سه شنبه‌های مردمی

سه شنبه هر هفته روز خاصی بود؛ روز دیدارهای مردمی. در بعضی از سه شنبه‌ها سید ابراهیم، میزش را به راهرو انتقال می داد و تا شب می نشست تا مردم بیایند و از مشکلاتشان بگویند و گاهی اوقات سرش فریاد بزنند! او هم با کمال آرامش آنها را مورد لطف قرار می‌داد و قول می‌داد کار آنها را پیگیری کند. واقعا تا آنجا که در توان داشت، پیگیری می کرد. گاهی تعداد این مراجعین به ۱۵۰ نفر در روز می رسید که با همه آنها با روی باز برخورد می کرد و حرف هایشان را می‌شنید.

حضـرت علـی علیـه السـلام در نامـه بـه مالـک اشـتر نخعـی:

«لَـنْ تُقَـدَّسَ أُمَّـةٌ لَا يُؤْخَـذُ لِلضَّعِيـفِ فِيهَـا حَقُّـهُ مِـنَ الْقَـوِيِّ غَـيْرَ مُتَتَعْتِـعٍ»؛

امتی که حق ضعیفان را از زورمندان باصراحت و بدون خوف و ترس نگیرد، هرگزپاک نمی شود و روی سعادت را نمی بیند.

(نهج‌البلاغه نامه، شماره ۵۳)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«امیرالمؤمنیـن از عمّـال خـود هـم مطالبـه‌ی عدالـت میکـرد؛ بـا اینکـه آنهـا در حـد امیرالمؤمنیـن نبودنـد. پـس تکلیـف اجـرای عدالـت بـر دوش مـا هـم هسـت؛ بایـد دنبـال بکنیـم. ایـن چیـزی اسـت کـه مـردم بایـد بخواهنـد؛ بایـد فرهنـگ عمومـیِ ملـت مـا بشـود. مـردم مـا بایـد بیشـترین چیـزی را کـه میخواهنـد، عدالـت و انصـاف باشـد؛ هـم در امـور داخـل کشـور، هـم در مسـائل جهانـی».

دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۷/۰۴/۲۶

حق برای حق دار

در یکـی از دیدارهـای مردمـی بـه او گـزارش دادنـد یکـی از مدیـران آمـوزش و پـرورش بـا گـزارش خلاف واقـعِ بازرس سـازمان، بـدون هیـچ تقصیـری برکَنار شـده. آن قـدر پـیگیـری کرد تـا مشـخص شـد حـق بـا مدیـر برکنـار شـده بـوده است. بـازرس سـازمان را برکنـار و مدیـر را بـه جایـگاه قبلـی‌اش برگرداند.

سـید ابراهیـم رئیسـی در هـر منصبـی کـه حضـور داشـت، رویـه اش همیـن بـود. حـق را بـه حـق دار مـی رسـاند. از سـازمان بازرسـی گرفتـه، تـا دادسـتانی کل کشـور و معاونت اول قـوه قضاییـه.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:
«مَن عَمِلَ عَلی غَیرِ عِلمٍ کانَ ما یُفسِدُ أکثَرَ مِمّا یُصلِحُ»؛
اگر کسی بدون علم کاری انجام دهد، تباه سازی او از سازندگی اش بیشتر خواهد بود.
(تحف العقول، ص ۴۷)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
«از جملـه‌ی شـاخصه‌های مهـم اصولگرایـی، یکـی «اهتمـام بـه علـم و پیشـرفت علمـی» اسـت. شـما ببینیـد چـه زمانـی در آغـاز پیدایـش اسـلام گفتـه شـد کـه: «طلـب العلـم فریضـۀ علـی کل مسـلم و مسـلمۀ» یـا «مؤمـن و مؤمنـۀ»؛ یعنـی همـان وقتـی کـه نمـاز و زکات و ایـن چیزهـا آمـد، طلـب العلـم هـم آمـد؛ «اطلبـوا العلـم ولـو بالصیـن» هـم آمـد. مـن بارهـا تکـرار میکنـم، ایـن بـه خاطـر همیـن است کـه جامعـه، بـدون علـم نخواهـد توانسـت آرمانهـای خـودش را بـالا بیـاورد... . علـم موجـب میشـود کـه شـما بتوانیـد آن آرمانهـا، آن اهـداف و آن خـط روشـن و جـاده‌ی روشـنِ صـراط مسـتقیمی را کـه در دسـت و اختیـار شماسـت، مطـرح کنیـد و کسـان بیشـتری را از بشـریت، بـه آن هدایـت کنیـد. علـم نداشـته باشـید، ایـن امکان‌پذیـر نخواهـد بـود. بنابرایـن علـم – کـه وسـیله‌ی رشـد ملـی، بشـری، انسـانی و اوج گرفتـن در محیـط عـام بشـریت اسـت – جـزوِ چیزهـای لازم اسـت و بایـد بـه ایـن اهتمـام داشـته باشـید».
(دیدار با اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۵/۰۶/۰۶)

دوران طلایی

سید ابراهیم همیشه دنبال این بود که خودش شناخت دقیقی از مسائل جاری در سازمان داشته باشد. برای همین اشرافش بر مسائل دستگاه های مختلف کشور شگفت آور بود. وقتی در جلسات هیات دولت شرکت می کرد، با چنان تسلطی از آسیب ها و گلوگاه های فساد در وزارت خانه ها صحبت می کرد که برخی از اعضاء می گفتند: رئیسی خودش یک پا وزیر است.

این اظهار نظرهای کاملا تخصصی و به جا آنقدر اثرگذار بود که رئیس جمهور وقت، علیرغم تفاوت سلیقه سیاسی، تعامل وسیعی با سازمان بازرسی را تعریف کرد و اکثر اوقات، نظرات، تذکرات و پیشنهادات سازمان را عینا به وزارت-خانه های مربوطه برای پیگیری منتقل می کرد. به اعتراف همه متخصصان، دوره مدیریت سید ابراهیم رئیسی، دوران طلایی سازمان بازرسی کل کشور بود.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«اِنَّ اللّه َعَزَّوَجَلَّ فَرَضَ عَلی اَئِمَّةِ العَدلِ اَن یُقَدِّروا اَنفُسَهُم بِضَعَفَةِ النّاسِ کَیلا یَتَبَیَّغَ بِالفَقیرِ فَقرُهُ»؛

خداوند عزوجل بر پیشوایان عادل واجب کرده که سطح زندگی خود را با مردم ناتوان برابر کنند تا فقیر را، فقرش برآشفته نکند.

(کافی(ط–الاسلامیه) ج۱ ، ص ۴۱۱ ، ح ۳)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«آفت بزرگ ما اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی است؛ فلان مسئول اگر اهل تجمل و اشرافی‌گری باشد، مردم را به سمت اشرافی‌گری و به سمت اسراف سوق خواهد داد... . یکی از اساسی‌ترین کارها برای اینکه ما جلوی اسراف را بگیریم این است که مسئولین کشور، خودشان، کسانشان، نزدیکانشان و وابستگانشان، اهل اسراف و اهل اشرافی‌گری نباشند. ولین کار این است که ما مسئولین کشور را، افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند، ساده‌زیست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از درد مردم احساس درد کنند. این هم به نظر من شاخص مهمی است. آگاهانه بگردید؛ برسید؛ و به آنچه که رسیدید و تشخیص دادید، با قصد قربت اقدام کنید؛ با قصد قربت پای صندوق انتخابات بروید و خدای متعال اجر خواهد داد».

بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲

از خانه دنیا تا منزل آخرت

به سید ابراهیم پیشنهاد دادند خانه راننده ی جمشید آموزگار (نخست وزیر اسبق شاه) همراه با بخشی از باغش که حدود ۸۰۰ متر می شد، با قیمت ارزان بخرد ولی قبول نکرد. معتقد بود مردم انقلاب نکردند که مدیرانشان بروند در خانه های اشرافی زندگی کنند.

برای همین عصرها، کارش که تمام می شد راه می افتاد و می رفت سراغ بنگاه های املاک تا برای زن و بچه اش خانه پیدا کند.

بالاخره به هر زحمتی بود، با پول خودش خانه خرید. البته نصف پول را قرض کرده بود و تا مدت ها داشت قرض هایش را صاف می کرد، آن هم زمانی که یکی از آدم های شناخته شده قوه قضاییه بود.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«اَلشَّجاعَةُ نُصرَةٌ حاضِرَةٌ وَ فَضیلَةٌ ظاهِرَةٌ»؛

شجاعت، نصرتی نقد و فضیلتی آشکار است.

(عیون الحکم و المواعظ(لیثی) ص ۵۰ ، ح ۱۲۷۱)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«ما احتیاج داریم به اقدامات شجاعانه. با تردید، با تزلزل، با ترس و لرز نمیشود کارهای بزرگ را انجام داد؛ لازم است با شجاعت وارد شد. البته شجاعت به معنای بیگدار به آب زدن نیست. بررسیها باید انجام بگیرد، فکر صحیح باید بشود، وقتی به نتیجه رسیدیم، بدون تردید و تزلزل بایستی اقدام کنید».

(بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور، ۱۳۸۶/۰۴/۰۹)

از التهاب تا آرامش

بعد از قضایای ۱۸ تیر ۷۸ و شلوغی دانشگاه ها، دانشگاه صنعتی شریف سید ابراهیم را برای سخنرانی دعوت کرد. گفتند با محافظ بروید اما قبول نکرد. می‌گفت دانشگاه محفل علمی است و نباید با رویکرد امنیتی برخورد کرد. آن هم در اوج درگیری های دانشگاهی که بیشتر مسئولین جرات نمی کردند به دانشگاه ها بروند. وقتی رسید سالن اجتماعات دانشگاه پر شده بود. دانشجوها شعار نمی دادند ولی فضا ملتهب بود. آقای رئیسی رفت پشت تریبون؛ یکی سوالات را می خواند او جواب می داد، بعضی از دانشجوها هم شفاهی می پرسیدند. آقای رئیسی با آرامش به همه سوال ها جواب داد. تقریبا دو ساعتی طول کشید. آرامش آقای رئیسی و پاسخ های دقیق و روشنگرانه اش دانشجوها را هم آرام کرد.

حدیـث: حضـرت علـی علیـه السـلام در نامـه بـه مالـک اشـتر فرمودنـد:

«فَامْلِـكْ هَـوَاكَ وَ شُـحَّ بِنَفْسِـكَ عَـمَّا لاَ يَحِـلُّ لَـكَ فَـإِنَّ اَلشُّـحَّ بِالنَّفْـسِ اَلْإِنْصَـافُ مِنْهَـا فِيـمَا أَحَبَّـتْ أَوْ كَرِهَـتْ»؛

هوای نفس را در اختیار گیر و از آنچه حلال نیست بپرهیز؛ زیرا بخل ورزیدن به نفس خویش، آن است که در آنچه دوست دارد یا برای او خوشایند است، راه انصاف پیمایی»

(نهج‌البلاغه نامه، شماره ۵۳)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«آفـت مسـئولیت در یـک نظامـی کـه متکـی بـه آراء مـردم و متکـی بـه ایمـان مـردم اسـت، ایـن اسـت کـه مسـئولین بـه فکـر رفـاه شـخصی بیفتنـد؛ بـه فکـر جمـع‌آوری بـرای خودشـان بیفتنـد؛ در هـوس زندگـی اشـرافی‌گری، بـه ایـن در و آن در بزننـد؛ ایـن آفـت بسـیار بزرگـی اسـت. امـام خـودش از ایـن آفـت بکلـی برکنـار مانـد و مسـئولین کشـور را هـم بارهـا توصیـه میکـرد کـه بـه کاخ‌نشـینی و بـه اشـرافی‌گری تمایـل پیـدا نکننـد، سـرگرم مال‌انـدوزی نشـوند، بـا مـردم ارتبـاط نزدیـک داشـته باشـند».

(بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴)

پیکان رئیس سازمان بازرسی کل کشور

بعد از جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی در دانشگاه شریف از سالن بیرون آمد. چند نفر از دانشجوها خودشان را به همراهانش رساندند و پرسیدند: ماشین آقای رئیسی کو؟ گفتند: همین پیکان!دانشجوها با تعجب گفتند جدی؟! همین؟! باورش برایشان خیلی سخت بود. بعد چند نفر به کنایه از ماشین دیگر دولت مردان شعار دادند: «بیت المال حیا کن، مسئولانو رها کن!»، آن موقع، استاندار تویوتا کریسیدا داشت! موقع خداحافظی بحث عوض شد و شروع کردند به تعریف و تمجید از آقای رئیسی و روبوسی.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«أفضَلُ الملوکِ مَن حَسُنَ فَعلُهُ و نِیَّتُهُ»؛

برترینِ حاکمان، کسی است که کار و نیت او بهتر باشد.

(غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۴۰)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«معیار و فارقِ صلاح و فساد این است که آیا ما آن کار را برای رضای خدا انجام میدهیم، یا نه. بدیهی است زمانی که ما میخواهیم کاری را برای رضای خدا انجام بدهیم، وقتی این احساس از ما متمشی میشود، که بررسی کرده باشیم و حُسن عمل و مطلوبیت عمل را فهمیده باشیم، بعد آن را برای رضای خدا انجام بدهیم. پس، در بطن کسب رضای خدا، آگاهی و هشیاری و توجه همه‌جانبه و تدبیر الهی مؤمن هست».

(بیانات در دیدار مسئولان وزارت کشور، ۱۳۷۰/۰۹/۲۷)

سرزنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور

فردای دیدار دانشجویی در دانشگاه شریف روزنامه ابرار آن موقع شیطنت و کم لطفی کرد و نوشت آقای رئیسی برای جلسه پرسش و پاسخ در خصوص سازمان بازرسی به دانشگاه رفته بود که دانشجوها با «شعار مسئولان حیا کنید، بیت المال رو رها کنید» ایشان را بدرقه کردند!

بعد از این ماجرا رفتم با مدیر مسئول روزنامه صحبت کردم. به او گفتم لااقل یه جو انصاف داشته باش؛ به قول امام حسین (علیه السلام) اگه دین نداری آزاده باش. جلو چشم من این اتفاقات افتاده؛ ماشین آقای رئیسی پیکان بوده و این شعارها در حمایت از آقای رئیسی بود.

او هم گفت یکی از بچه های ما شیطنت کرده است. بعد هم عذرخواهی کرد. من پس از آن رفتم پیش آقای رئیسی و ماجرا را تعریف کردم.

با آرامش گفت: «در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور» و گفت: «ما عددی نیستیم؛ دیگران رفتن سینه سپر کردند و شهید شدند من یک بچه سرباز بیشتر نیستم، بگذار این را هم بگویند به کجا بر می خورد؟!»

خداوند متعال در قرآن کریم می فرمایند:

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛

بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

(سوره زمر، آیه ۹)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«در این انتخابات سعی کنید ...

مردمـــان باایمـــان، بالیاقـــت، کاردان و امیـــن را انتخـــاب کنیـــد و مراقـــب عملکـــرد آنهـــا باشـــید».

(بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۰۶)

فراتر از یک دیپلمات

سـید ابراهیم رئیسـی در دوره ریاست آیت الله هاشـمی شـاهرودی بـر قـوه قضاییه، ۵ سـال پشـت سـر هـم در جمـع سـفرا و نماینـدگان ایـران در کشـورهای خارجـی دربـاره مسـائل کلان جهانی سـخنرانی می کرد. هـر کـدام از ایـن افـراد هـم در حـوزه روابـط بیـن الملـل بـرای خـود رجلـی بـه حساب می آمدنـد. بـا ایـن حـال، صحبت هـای او برای تعییـن سیاسـت مناسـب نسـبت بـه مناطـق مختلـف جهـان بـه حـدی بـا واقعیـت همخوانـی داشـت کـه همـه حضـار می گفتند: رئیسـی ایـن نـکات را از کجـا مـی داند؟

امـام صـادق علیـه السـلام خطـاب بـه « زیـد بـن حشّـام» می‌فرمایـد:

« ای زیـد، بـا مردم(اهـل تسـنن) بـا اخـلاقِ خودشـان معاشـرت کنیـد، در مساجدشـان نمـاز بگزاریـد و مریضان‌شـان را عیـادت کنیـد و در تشـیع جنازه‌هایشـان حاضـر شـوید و اگـر توانسـتید امـام جماعـت یـا مـؤذن آن‌هـا شـوید، ایـن کار را بکنیـد کـه اگـر شـما چنیـن عمـل کردیـد خواهنـد گفـت: اینـان جعفری‌انـد، خـدا او را رحمـت کنـد چـه خـوب اصحابـش را تربیـت کـرده اسـت و اگـر ایـن امـور را تـرک نماییـد، خواهنـد گفـت: اینـان جعفری‌انـد، خداونـد جزایـش را بدهـد چـه بـد اصحابـش را تربیـت کـرده اسـت».

(وسائل الشیعهٔ، ج۸، ص۴۳۰)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«شـیعه و سـنی، مـردم بخـش هـای مختلف کشـور، طرفـداران سـلائق گوناگـون سیاسـی، همـه بایـد بداننـد ملـت ایـران بـا وجـود ایـن تنوعـی کـه در مذهـب و در قومیـت و در اذواق و سـلائق دارد، یـک ملـت اسـت؛ یکپارچـه اسـت؛ یـد واحـد اسـت. بـا همیـن یـد واحـده بـودن اسـت کـه میتوانـد از منافـع خـود، از هویـت خـود، از حیثیـت خـود در مقابـل خشـن‌ترین دشـمنان دفـاع کنـد و دشـمن را بـه حـول و قـوه‌ی الهـی بـه زانـو در بیـاورد.»

بیانات در دیدار مردم لار – ۱۳۸۷/۲/۱۹

نماینده همه اهل سنت و شیعه

سنی و شیعه ندارد؛ او تقریبا به تمام روستاهای خراسان جنوبی سر زده و با مردمانش نشست و برخاست داشته. برای همین است که تقریبا کل استان می شناسندش و رأی او در انتخابات خبرگان، از همان روز اول رقابت های انتخاباتی همیشه قطعی بوده و هست. در سرکشی هایش به روستاهای استان، بارها پیش آمده که اهل سنت به او اقتدا کردند و پشت سرش نماز خواندند. بس که قبول دارند آقا سیدشان را. اگر کمی دیرتر هم می رسید، بدون تأمل به امام جماعت اهل سنت اقتدا می کرد.

حضـرت علـی علیـه السـلام بـه زیـاد بـن ابیـه، جانشـین فرمانـدار بصـره نوشـتند:

صادقانـه بـه خداونـد سـوگند یـاد مـی کنـم، اگـر گـزارش برسـد کـه از غنایـم و بیـت المـال مسـلمانان چیـزی کـم یـا زیـاد برداشـته ای، آن چنـان بـر تـو سـخت بگیـرم کـه در زندگـی کـم بهـره و بینـوا و حقیـر و ضعیـف شـوی.

(نهج البلاغه، نامه ۲۰)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

«مـن اگـر از کسـی کوتاهـی ببینـم و بفهمـم تقصیـر داشـته، اغمـاض نمیکنـم. در مـورد مسـؤولان هـم همیشـه سـفارش میکنـم و میگویـم کـه اغمـاض نکنیـد».

(بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴)

اول تحقیق بعد اقدام قاطع

زمانی که آقای رئیسی کم و کسری در اموال آستان قدس را دید، مسئولین مربوطه را بازخواست کردند. چندماه هم به تیم تحقیقاتی فرصت داد که مدارک و اطلاعات موثقی پیدا کنند. آقای رئیسی نمی خواست بدون تحقیق و تهیه مدرک، وارد کار بشود و تیم قبل از خودشان بی حرمت بشوند. چند ماه صبر کردند. سیستم اطلاعاتی کار کرد؛ خود دست اندرکاران شرکت هم همکاری کردند و حرمت ها را نگه داشتند. اما وقتی به او گفتیم همه این تلاش هایی که کرده اید و تذکرهایی که داده اید هیچ ثمری نداشته و شخص متخلف باید محاکمه شود، دیگر صبر نکرد. وقتی به یقین رسید اقدام قاطع کرد و کسی که سال ها در آستان قدس در بالاترین رده فعالیت می کرد را با دلیل و مدرک کافی به قوه قضاییه معرفی کرد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«لَـوْ شِـئْتُ لَاهْتَدَیـتُ الطَّرِیـقَ إِلَـی مُصَفَّـی هَـذَا الْعَسَـلِ وَ لُبَـابِ هَـذَا الْقَمْـحِ وَ نَسَـائِجِ هَـذَا الْقَـزِّ وَ لَکِـنْ هَیهَـاتَ أَنْ یغْلِبَنِـی هَـوَای وَ یقُودَنِـی جَشَـعِی إِلَـی تَخَیـرِ الْأَطْعِمَـةِ»؛

اگر می خواستم می توانستم از عسل خالص و مغز گندم و بافته ی ابریشم برای خود خوراک و پوشاک تهیه کنم، اما هرگز هوا و هوس بر من چیره نخواهد شد و حرص و طمع مرا به گزیدن خوراک ها نخواهد کشید.

(نهج البلاغه، نامه ۴۵)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«در پـی کسـب محبوبیـت نباشـیم، دنبـال تمتعـات دنیـوی نباشـیم، دنبـال پرداختـن بـه اشـرافی‌گری و تجمـلات نباشـیم. مـا مسـئولین، خودمـان را حفـظ کنیـم؛ همچنـان کـه ایـن مـرد بـزرگ خـود را حفـظ کـرد. اگـر مـا اینجـا دچار اشـتباه شـویم، مصـداق همـان آیـه‌ی شـریفه خواهیـم شـد کـه: «وَأَحَلُّـوا قَوْمَهُـمْ دَارَ الْبَـوَارِ * جَهَنَّـمَ یَصْلَوْنَهَـا وَبِئْـسَ الْقَـرَارُ».

(بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، ۱۳۹۱/۰۳/۱۴)

در فکر آخرت

آقـــای رئیســـی اهـل زد و بنـــد و معاملـه نبـود. همیشـــه بـــر اســاس آنچـــه کـــه بتوانـــد در روز قیامـــت پاســخ بدهـــد، عمـــل مـــی کـــرد. بـــه دلیـــل موقعیـت هایـــی کـــه داشـــت، می توانســـت بـــدون تخلـــف، اموالـــی را بـــه دســت آورد ولـــی هیچوقـــت ایـن کار را نکـــرد. شـاید در دنیـــا هیچوقـت جلویـش را نمی گرفتنـد، امـا همیشـــه بـــه فکـــر آخـــرت بـــود. در دوران دادسـتانی مسـتاجر بـود. مدتـــی بعـــد از ازدواج خانـــه ای در قـــم خریـــد و خانـــواده را بـــه قـم بـــرد. وقتـــی سرپرســـت دادگاه انقـلاب در اوین شـــد، خانواده را به تهـــران آورد و بـــرای مـدت کوتاهـی در تجریـش سـاکن شـد. بعـد از آن هـم بـه یـــک آپارتمـان سـاده بیـن خیابـان فاطمـی و حجـــاب رفـت.

در اخبـــار قدســیه آمــده اســت کــه خداونــد متعــال مــی فرماینــد:

«الإخــلاصُ سِرُ مِــن أسراری أســتودعتُه قَلــب مَــن أَحبَبــتُ مِـن عبـادی»؛

اخلاص سری است از اسرار من؛ به ودیعت می‌گذارم آن را در دل هر یک از بندگان خود، که آن را دوست داشته باشم.

(معراج السعادهٔ، ص ۶۱۳ به نقل از محجهٔ البیضاء، ج ۸، ص ۱۲۵)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«هوشـمندانه حرکـت کننـد، همـراه بـا اخـلاص. واقعـاً آن چیـزی کـه اسـاس قضیـه اسـت، اخـلاص اسـت».

(بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۱۲/۱۸)

ژست عکاسی

آمـده بـود بازدیـد مناطـق عملیاتـی شـــلمچه. داشـــتیم قـــدم مـی زدیـــم کـــه یکـــی از رفقـــا آهســـته بـــه مـن گفـــت: حـــاج آقـا رو بکـــش بـه سـمت سـیم خاردارهـا تـا بتونـم یه عکـس خـوب خبـری ازشـــون بگیـرم. آقـای رئیسـی حـرف هایمـان را شـنید. بـرای همیـن چرخیـد و راهـش را عـوض کـرد.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

«قالَ اللهُ عزَّوجلِ: الخَلق ُعیالِیَ، فَاحَبهُم الیَّ الطَفُهم بهِم و اسَعاهُم فِی حَوائجِهم»؛

خدای عزوجل فرموده است: مردم خانواده و عیال من اند، پس محبوب ترینشان نزد من کسی است که نسبت به آنان مهربان تر و در [برطرف کردن] نیازهایشان کوشاتر باشد.

(کافی، جلد ۲، ص ۱۹۹)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«مسؤولان و زمامداران امور کشور، به تمام معنی کلمه، با مردم مرتبط و متّصلند. هم از لحاظ عاطفی با مردم یکی هستند؛ یعنی عواطف مردم، با مسؤولان نظام جمهوری اسلامی پیوند خورده است و به آنها محبّت می ورزند، و هم از لحاظ فکری، مرتبط با مردمند».

(بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۶/۰۲/۰۶)

در میان مردم

ایـام پیـــاده روی اربعیـن، در مـرز مهـران همراه آقـای رئیسـی بودیـم. وقتـی مـردم متوجـه حضـــورش شـدند، آمدنـد سـمت او. محافظـان جلـوی مـردم را گرفتنـد و نمـی گذاشـتند جـوان هـا جلوتـر بیاینـد. اولیـن بـاری بـود کـه آقـای رئیسـی را اینقـدر ناراحـت مـی دیـدم. بـه محافـظ هـا تشـر زد و گفـت بـا مـردم کاری نداشـته باشـید.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«وَ إِیَّـاکَ وَ الاِعْجَـابَ بِنَفْسِـکَ وَ الثِّقَـةَ بِمَـا یُعْجِبُـکَ مِنْهَـا وَ حُـبَّ الأَطْـرَاءِ فَـإِنَّ ذَلِـکَ مِـنْ أَوْثَـقِ فُـرَصِ الشَّـیْطَانِ فِـی نَفْسِـهِ لِیَمْحَـقَ مَـا یَکُـونُ مِـنْ إِحْسَـانِ الْمُحْسِـنِینَ»؛

از خودپسندی و اطمینان داشتن به چیزی که از آن خوشت می آید و نیز از ستایش و تعریف مردم برحذر باش؛ زیرا در این حالت ها شیطان فرصتی می یابد و نیکی های نیکوکاران را محو و نابود می کند.

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«وحـب الاطـراء»؛ از علاقـه‌ی به سـتایش شـدن از طـرف دیگـران بـر حـذر بـاش. «فـأن ذلـک مـن اوثـق فـرص الشـیطان فـی نفسـه لیمحـق مـا یکـون مـن احسـان المحسـنین»؛ ایـن کـه انسـان دوسـت داشـته باشـد او را سـتایش کننـد، از بهتریـن فرصتهـای شـیطان اسـت کـه از آن بهـره می‌بـرد؛ می‌آیـد احسـان محسـنین را از بیـن می‌بـرد؛ یعنـی آن نیکوکاریهـا و زیباییهـا و آرایش‌هـای معنـوی و روحـی را از شـما سـلب میکنـد».

(بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷)

صفای طلبگی

سید ابراهیم از اول طلبگی هم با صفا و بی شیله پیله بود. آن موقع ها با او گاهی به جمکران می رفتیم؛ گاهی پیاده و گاهی هم با اتوبوس. روز به روز هم با هم مانوس تر می شدیم. دلیلش این بود که آدم پیچیده ای نبود. الآن هم فرقی نکرده؛ چه در قوه ی قضاییه و چه در تولیت آستان قدس، هنوز هم ظاهر و باطنش یکی است. مسئولیت ها روی شخصیت ایشان اثری نگذاشته. هیچ وقت از موضع بالا با کسی برخورد نمی کند. گاهی هم اگر چیز می خواهد با شوخی و ادبیاتی دوستانه مطرح می کند و هیچ وقت به واسطه مسئولیت برای خودش شأنی قائل نبود.

امام علی علیه السلام:

«ان اللـه جعلنـی امامـا لخلقـه ففـرض علـی التقدیـر فـی نفسـی و مطعمـی و مشربـی و ملبسـی کضعفـاء النـاس»؛

خداوند مرا پیشوای خلقش کرده و واجب کرده بر من که بر خود سخت بگیرم و در خوردن و آشامیدن و لباس، مانند مستمندان باشم.

(الکافی، جلد ۱، ص ۴۱۰)

****

مقام معظم رهبری:

«ایـن کـه مـا این‌قـدر روی ساده‌زیسـتی مسـئولان تکیـه میکنیـم، ایـن بـرای همیـن اسـت کـه بـه مـردم نشـان بدهنـد بـرای خـود کیسـه نمیدوزنـد و بـه فکـر ثروت‌انـدوزی بـرای خودشـان نیسـتند؛ ایـن، مـردم را امیـدوار میکنـد و اعتمـاد آنهـا را برمـی انگیـزد. خیلـی فـرق اسـت بیـن آن مسـئولی کـه در دوران کوتـاه مسـئولیت خـود در فکـر ایـن اسـت کـه یـک آینـده‌ی مالـی بـرای خـود تأمیـن بکنـد؛ دائـم بـه ایـن طـرف و آن طـرف دسـت می‌انـدازد و چنـگ میزنـد، شـاید بتوانـد آینـده‌ی مالـی و زندگـی خـودش را تأمیـن کنـد، و آن انسـانی کـه در دوران مسـئولیت، اصـلاً بـه فکـر تنهـا چیـزی که نیسـت، مسـائل شـخصی اسـت؛ اینهـا خیلـی بـا هـم تفـاوت دارنـد.

(بیانات در دیدار مردم گرمسار، ۱۳۸۵/۰۸/۲۱)

یک آپارتمان قسطی

طبق اصل ۴۹ قانون اساسی، اختیار اموال بدون صاحب و مجهول المالک دست او بود. تمام این اموال حکم عام را داشتند و او اجازه دخل و تصرف در آنها را داشت. اما از مال دنیا فقط یک آپارتمان دارد که شراکتی و قسطی خریده؛ با یک زندگی عادی و معمولی مثل همه مردم.

امـام باقـر علیـه السـلام خطـاب بـه عمـر بـن عبدالعزیـز فرمودنـد:

«افتح الباب و سهل الحجاب»؛

در را به روی مردم باز کن و دسترسی مردم را به خودت آسان گردان.

(بحارالأنوار، ج۴۶، ص۳۴۶)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«از اول پیـروزی انقـلاب، امـام تکیـه‌ی بـر طبقـات ضعفـا را اصـرار کردنـد، تکـرار کردنـد، توصیـه کردنـد. تعبیـر «پابرهنـگان» و «کوخ‌نشـینان» جـزو تعبیراتـی بـود کـه در کلام امـام بارهـا و بارهـا تکـرار شـد. بـه مسـئولین اصـرار داشـتند کـه بـه طبقـات محـروم برسـید. بـه مسـئولین اصـرار داشـتند کـه از اشـرافی‌گری پرهیـز کننـد. ایـن، یکـی از توصیه‌هـای مهـم امـام بزرگـوار بـود. مـا نبایـد اینهـا را فرامـوش کنیـم».

(بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴)

پیگیری شخصی

پیام های مردمی که از طریق کانال تلگرام به دستش می رسید، دو بخش داشت. بخشی مربوط به درخواست مردم برای دریافت غذای حضرتی که به دستور او فیش غذا در اختیارشان گذاشته می شد و بخش دوم پیام های درخواست های خاص بود. خیلی از کسانی که دچار محرومیت و گرفتاری بودند و امیدشان از همه جا قطع شده بود به امام رضا علیه السلام متوسل شده بودند. از زنان سرپرست خانوار با فرزندان یتیم تا مردم که در به در دنبال کار می گشتند . به مسئول کانال دستور داده بود این پیام ها را وارد سیستم اداری نکنند تا یک وقت دیر رسیدگی نشود. خودش شخصا به تک تک آنها رسیدگی می کرد و آن قدر پی گیر بود تا مشکل حل شود.

حضـرت علـی علیـه السـلام در نامـه بـه مالـک اشـتر نخعـی:

«ثُـمَّ أَسْـبِغْ عَلَيْهِـمُ الْأَرْزَاقَ فَـإِنَّ ذَلِـكَ قُـوَّةٌ لَهُـمْ عَـلَى اسْـتِصْلَاحِ أَنْفُسِـهِمْ وَ غِنًـى لَهُـمْ عَـنْ تَنَـاوُلِ مَـا تَحْـتَ أَيْدِيهِـمْ وَ حُجَّـةٌ عَلَيْهِـمْ إِنْ خَالَفُـوا أَمْـرَكَ أَوْ ثَلَمُـوا أَمَانَتَـكَ»؛

پس روزی آنان را فراخ دار، که فراخی روزی نیرویشان دهد تا در پی اصلاح خود بر آیند، و بی نیازی شان بود تا دست به مالی که در اختیار دارند نگشایند، و حجتی بود بر آنان اگر فرمانت را نپذیرفتند یا در امانتت خیانت ورزیدند.

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«اگـر مدیریـت جهـادی یـا همـان کار و تـلاش بـا نیـت الهـی و مبتنـی بـر علـم و درایـت حاکـم باشـد، مشـکلات کشـور، در شـرایط کنونـیِ فشـارهای خباثـت آمیـزِ قدرتهـای جهانـی و در شـرایط دیگـر، قابـل حـلِ اسـت و کشـور حرکـت رو بـه جلـو را ادامـه خواهـد داد».

(دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران با رهبر انقلاب، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳)

سازمان؛ قبل و بعد از سید ابراهیم

سازمان بازرسی کل کشور را در حالی تحویل گرفت که گمنام و متروک بود و دولت اعتباری برای آنجا و کارکنان و بازرسانش قائل نبود.

سازمان حتی ساختمان و امکانات اولیه را هم نداشت. سیصد نیروی بازرس داشت که ماهی ۱۵ هزار تومان بیشتر حقوق نمی گرفتند. در سازمان برای این تعداد بازرس فقط ۱۵۰ میز بود که نوبتی پشت میزها می نشستند و گزارش کارشان را می نوشتند.

وقتی ده سال بعد سازمان را تحویل داد، رفاه و معیشت کارکنان تأمین شده بود. دیگر کسی نبود که نداند سازمان بازرسی چه نقشی دارد. مدتی بعد از رفتن او از سازمان، کارکنان به ساختمان جدید منتقل شدند. جایی که با همت و تلاش او ساخته شده بود ولی هرگز به عنوان رئیس سازمان بازرسی در آن پا نگذاشت.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«مِن أماراتِ الدَّولَةِ اليَقظَةُ لِحِراسَةِ الأُمورِ»؛

از نشانه های دولت، بیداری برای حراست و نگهبانی از کارهاست.

(غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۴۱)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«من میخواهم به همه شما برادران و خواهرانی که در این جا هستید و به همه کارمندان دولت در سراسر کشور عرض کنم: در محیط کار، سعی کنید از همه توان و استعداد و ابتکار خودتان استفاده کنید. این، لازم است. از همه قدرت فکری و عملی خودتان، در محیط کار استفاده کنید... . اگر همه آحادی که امروز در این دستگاه عظیم دولتی مشغول کارند، از ابتکار و نیرو و اخلاص و تواناییهای فکری و روحی خودشان استفاده کنند، کار دولت، شتابانتر و بهتر و پیشرفتها، بیشتر و متناسب با همان قدمهای بزرگی که امروز دولت جمهوری اسلامی و نظام مقدّس اسلامی در پیش رو دارد، خواهد شد».

(بیانات در دیدار کارمندان و کارکنان دولت، ۱۳۷۵/۰۶/۰۷)

نظارت بر سازمان

بعد از دیدار عمومی که رهبری با کارکنان سازمان بازرسی داشت، در ملاقاتی خصوصی، رهبری به او پیشنهاد داد در سازمان که مرجع عالی نظارتی است، از خودشان هم غافل نشوند و بخشی هم برای نظارت درون سازمانی راه بیاندازند تا به کار بازرسان و کارشناسان نظارت کند. سرش را پایین انداخت و گفت که شش ماهی است چنین بخشی در سازمان راه اندازی شده تا عملکرد نیروها به صورت نامحسوس ارزیابی شود و گزارش بخش مربوطه را به مقام معظم رهبری نشان داد. لبخندی روی لب های رهبری نشست و از این تدبیر به جا تشکر کرد.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛

ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شما هستند بگو اگر خداوند خیری در دلهای شما بداند (و نیات نیک و پاکی داشته باشید) بهتر از آنچه از شما گرفته به شما می‌دهد، و شما را می‌بخشد، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

(سوره انفال، آیه ۷۰)

******

امام خمینی (رحمت الله علیه) در سخنرانی به مناسبت فاجعه انفجار در حزب جمهوری اسلامی به تاریخ ۹/ ۴/ ۱۳۶۰ فرمودند:

«من یک کلمه به برادران دادگاه و کسانی که رئیس زندان هستند و اشخاصی که زندانبان هستند می‌گویم و آن اینکه اینطور نباشد که یک جنایتی واقع شد، اینها آرامش خودشان را از دست بدهند و خدای ناخواسته با زندانیانی که الان هستند، ولو این زندانیان از همین گروه‌های فاسد باشند، با خشونت غیر انسانی عمل کنند. با آرامش و با احترام عمل کنند. لیکن دادگاه‌ها احکام را با دقت بررسی کنند و پرونده‌ها را بررسی کنند، آنها را بر محکمه‌ها بنشانند و ازشان استفسار کنند. با قاطعیت هر چه باید بکنند، عمل کنند...».

طرح ترور

منافقین داخل زندان شنیده بودند عملیات فروغ جاویدان شکست خورده. تصمیم‌گرفتند هر طور شده بزرگان دستگاه قضا را ترور کنند؛ حتی اگر با چاقوهای دست‌سازی باشد که در همان زندان و با ساییدن قاشق ساخته بودند. سید ابراهیم جزو اولین گزینه هایشان بود. خبر برنامه‌ی ترور خودش را که شنید، سکوت کرد. با وجود این رفتارهای منافقین، او دستور داده بود که اگر ذره‌ای ندامت در رفتار اعضای سازمان منافقین مشاهده شد، مشمول رافت اسلامی قرار بگیرند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«وَ لَیسَ یُحَبَّ لِلملوُک أَن یُفَرِّطوا فی ثَلاث: ... و اختیارِ الصّالِحینَ لِاَعمالِهم»؛

کوتاهی حاکمان در سه چیز پسندیده نیست: ... و گزینش و انتخاب افراد صالح برای کارها.

(تحف العقول، ص ۳۱۹)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«یک جمله‌ی دیگر از این نامه‌ی مبارک(نامه حضرت علی علیه اسلام به مالک اشتر) این است: «ثُمَّ انْظُرْ فِی أُمُورِ عُمَّالِکَ»؛ کارها و امور کارگزاران خودت را مورد توجه قرار بده. اول، انتخاب کارگزاران است؛ «فَاسْتَعْمِلْهُمُ اخْتِبَاراً»؛ با آزمایش آنها را انتخاب کن؛ یعنی نگاه کن ببین چه کسی شایسته‌تر است. همین شایسته‌سالاری‌یی که امروز بر زبان ماها تکرار می‌شود، به معنای واقعی کلمه باید مورد توجه باشد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) هم در این‌جا به آن سفارش می‌کنند. «وَلَا تُوَلِّهِمْ مُحَابَاةً وَأَثَرَةً»؛ نه از روی دوستی و رفاقت کسی را انتخاب کن، که ملاکها را در او رعایت نکنی - فقط چون رفیق ماست، انتخابش می‌کنیم - نه از روی استبداد و خودکامگی؛ انسان بگوید می‌خواهم این فرد باشد؛ بدون این‌که ملاک و معیاری را رعایت کند یا با اهل فکر و نظر مشورت کند

اصل شایسته سالاری

وقتی به ریاست سازمان بازرسی کل کشور منصوب شد، چند نفر از مدیران سازمان که گرایش های سیاسی مخالف او داشتند، نگران اخراج و برکناریشان بودند. اما او با علم به نگاه سیاسی آنها، در تمام ده سال ریاستش بر سازمان از توان آنها بهره برد. عملا معتقد به شایسته سالاری بود؛ نه فقط در شعار!

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أيُّما مُسلمٍ خَدَمَ قَوما مِن المُسلمينَ إلاّ أعْطاهُ اللّه مِثْلَ عَدَدِهِم خُدّاما في الجَنّةِ»؛

هر مسلمانی که به گروهی از مسلمانان خدمت کند خداوند متعال به تعداد آنان، خدمتگزارانی را در بهشت به او عطا خواهد کرد.

(الکافی، ج ۲، ص ۲۰۷)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«رئیس‌جمهوری که قدر مردم را بداند؛ با مردم صمیمی باشد؛ برای مردم مجاهدت کند؛ برای مردم کار و تلاش کند؛ ظرفیت‌های کشور را آن‌چنان به‌کار بگیرد که مردم بتوانند از این ظرفیت‌ها در همه‌جا بهره‌مند شوند».

(بیانات در دیدار مردم کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۱)

سید ابراهیم مردمی

هیچ وقت از مردم جدا نبود. چه در دوران طلبگی اش چه در دوران مسئولیتش. همیشه در اجتماعات مردمی و نماز جمعه و جماعت حاضر بود و همیشه هم با مردم بود. اطلاعاتش از مسائل کاری و مسائل جامعه از راه همین ارتباطات مردمی بود؛ نه فقط دستگاه های اطلاعاتی. در سازمان بازرسی یک روز در هفته را اختصاص داده بود به دیدارهای مردمی. مردم از قبل ثبت نام می کردند و سه شنبه ها برای بررسی مشکلاتشان دعوت می شدند. گاهی روزها تا ۱۵۰ نفر به دیدنش می آمدند. حرف همه را می شنید و تا جایی که از دستش بر می آمد مشکلشان را حل می کرد.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«طَاعَـة اللـه سُـبحانَه لا یَحُوزهـا إلاّ مَـن بَـذل الجِـدّ واسـتَفرَغ الجَهـد»؛

به طاعت خدای سبحان دست نیابد مگر کسی که تلاش کند و نهایت کوشش خود را به کار گیرد.

(غررالحکم، ح ۶۰۰۹)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«آنچـه بـرای رئیـس جمهـور آینـده بسـیار مهـم اسـت، ایـن اسـت کـه بـا همـه وجـود در پـی کار و تـلاش بـرای مـردم باشـد».

بیانات در دیدار مردم کرمان ۸۴/۰۲/۱۱

پرکار همچون جوانان

در یکــی از برنامــه هــای ســخنرانی آقــای رئیســی کنــار یکــی از محافظـان نشسـته بـودم. وقتــی آقــای رئیســی بــرای ســخنرانی رفــت پشــت تریبـون، بـه محافـظ گفتـم کاش یـک صندلـی مـی گذاشـتید تـا آقـا سـید نشسـته سـخنرانی کنـد. گفـت: بـه سـر و رو رویـش نـگاه نکـن. فقـط ریـش هایـش سـفید شـده؛ هنـوز جـوان هسـتند و پرشـور. بعـد بـا خنـده گفـت: مـا از دسـت ایشـان پیـر شـدیم؛ حـاج آقـا از ۵ صبـح تـا ۱۱ شـب مشـغول کار هسـت.

«ما مِن أَحَدٍ یَتیهُ إلاّ مِن ذِلَّةٍ یَجِدُها فی نَفسِهِ»؛

هیچکس نیست که تکبر ورزد، مگر بر اثر خواری و حقارتی است که در خود می بیند.

(الکافی(ط-الاسلامیه)، ج۲، ص۳۱۲)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«ما باید به درون خودمان نگاه کنیم: «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ»[1] ؛ **نقص ها، مشکلات و کمبودهایمان را نگاه کنیم و فریب نخوریم. این فریب خوردن، انسان را در دام و گرداب غرور می‌اندازد. اگر انسان خودش را بد برآورد کرد، آن وقت دیگر نجات پیدا نمی کند».**

(بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۵/۰۶/۰۶)

---

۱ - سوره قیامت، آیه ۱۴

متواضع و خاکی!

بیش از یازده سال بود که آقا سید ابراهیم را از نزدیک ندیده بودم. آخرین بار، سال ۸۴ در بیت آیت الله نوری همدانی با هم گپ و گفتی داشتیم.

دو سه روز پیش، دوباره او را دیدم؛ ولی این بار در کسوت متولی آستان قدس بزرگ و شریف. هیچ فرقی نکرده بود؛ جز سر و رویی که سپیدتر شده بود و نورانی تر! همان که بود مانده؛ مردمی، قبراق، خنده رو، پیگیر، گیرا و خاکی!

راستش را بخواهید نمی توانستم شادمانی ام را کتمان کنم. از اینکه تولیت حرم را با عمامه ای از سر برداشته، گوشه ای از حرم در حال اشک و مناجات می بینم. از اینکه مردم را با تولیت آستان، رو در رو و بدون حلقه های عریض و طویل حفاظتی می بینم. از اینکه می بینم مردم، بالاترین مقام مسئول در حرم را به چالش می کشند و نقد و قند خود را بی پرده به او می رسانند!

پیامبـــر اکـــرم صلـــی الله علیـــه و آلـــه خطـــاب بـــه حضـــرت علـــی علیـــه الســـلام بـــر توجـــه بـــه زیردســـتان تأکیـــد می‌کننـــد:

«ای علـــی، نخســـت نمـــاز را بـــر پـــا داریـــد، و از زیردســـتان خویـــش غفلـــت مورزیـــد؛ نگذاریـــد برهنـــه و گرســـنه بماننـــد و رضـــا ندهیـــد کـــه دل‌تنـــگ و افســـرده باشـــند.

(نهج الفصاحه، ص ۴۸)

****

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«بایـــد روح بـــرادری و تفقـــد از زیردســـت و ارزش گـــذاری براســـاس ارزشـــهای معنـــوی رواج روز افـــزون داشـــته باشـــد».

(پیام به چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، ۱۳۷۰/۰۶/۲۵)

گرمی یک سلام

نیروهای بخش تعمیراتِ اتومبیل‌های سازمان بازرسی کل کشور، گمنام ترین نیروها بودند. کار و فعالیتشان زیاد بود، اما کمتر مورد توجه مسؤولین سازمان بودند. توقع زیادی هم نداشتند؛ به یک سلام و احوال پرسی هم راضی بودند، اما بالادستی ها آن را هم از ایشان دریغ می‌کردند. چند روزی از تحویل مسؤولیتش نگذشته بود که خواست با اتومبیل به دیدار رئیس وقت قوه قضائیه برود. در کنار اتومبیل او یکی از مکانیک ها با لباس فرم مخصوصِ مکانیکی که به تن داشت، مشغول تعمیر اتومبیلی بود. جلو رفت. سلام و احوالپرسی گرمی با او کرد و خدا قوت گفت. بعد هم سوار اتومبیل شد و رفت. هنوز مکانیک در بُهت برخورد رئیس جدید سازمان بازرسی کل کشور با خودش بود که همکارانش دوره اش کردند: «نگفته بودی با رئیس جدید نسبت فامیلی داری؟» مکانیک قسم خورد که اولین بار بوده که او را دیده، اما کسی زیر بار نمی رفت. مدت زیادی طول نکشید که بقیه مکانیک ها و نیروهای سازمان هم مهربانی رئیس جدید با نیروهایش را چشیدند.



اتاق خدمت

داشـت در اتاق ریاست سازمان بازرسی که تازه تحویل گرفته بود راه میرفت کـه پایش به پارگی موکت کف اتـاق گیـر کـرد. سـریع بلنـد شـد و خودش را جمع و جور کـرد و گفـت: «این اتاق محل رفت و آمد مردم اسـت. بگو بیایند موکت را بکنند و بردارند». یکی از همکاران پیشنهاد داد: بهتر است بگوییم بیایند اتـاق را بازسازی کنند و موکت جدید هم بزنند».

سید ابراهیم بـه چشـمانش خیـره شـد و بـا لحـنی جـدی گفـت: «بچه های سـازمان بـه نان شبشـان محتاج هستند. آن وقـت مـن بیایـم ایـن اتـاق را بازسـازی کنـم؟!»

ده سـال بعـد کـه سـازمان را تحویـل داد، کل سـاختمان نـو نـوار شـده بـود مگر اتـاق خودش؛ بدون موکت و کاملا ساده.